

برای گرامیداشت ۲۹خرداد سال ۱۳۳۰

روزی که دست انگلستان از نفت ایران کوتاه شد



هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در روز افتتاح

کمال سیستماتن| در سال ۱۹۰۱ امتیاز اکتشاف و استخراج نفت ایران برای بیش از نیم قرن به فردی انگلیسی به نام «ویلیام ناکس‌دارسی» واگذار شد. اما حدود سی سال بعد(سال ۱۹۳۱) دولت ایران این سند را ملغی اعلام کرد و خواستار حق بیشتری از ثروت خود شد. در پی این اقدام، دولت انگلیس به‌منظور اعمال حق حمایت دیپلماتیک، به شورای جامعه ملل شکایت برد. این شکایت دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۳ سبب امضای قرارداد جدیدی میان ایران و انگلستان شد که اگرچه تمامیت نفت را به انگلستان نداد، سبب کوتاهی دست آنان از ثروت ملی ایران نیز نشد. براساس این موافقت‌نامه، حق ایران از نفت تا سال‌ها به شکلی کج‌دارومریز داده می‌شد و درواقع سال‌ها نفت ایران دراختیار انگلیسی‌ها بود تا اینکه یک اتفاق در کشورهای عربی، سبب آگاهی مردم درباره نفت شد، حق استفاده پنجاه-پنجاه ثروت درمیان کشورهای صاحب قرارداد دوطرفه.



ماجرای این قرار است که به‌دنبال تحولات سیاسی اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر شرایط قراردادهای نفتی (که در آن کنترل کشورها بر منافع نفتی، یک اصل شناخته می‌شد) دولت ایران تصمیم گرفت براساس قانون مصوب مجلس شورای ملی در ۲۹مهر۱۳۲۶، تجدیدنظر در قرارداد ۱۳۱۲ را از شرکت نفت ایران و انگلیس خواستار شود و اقداماتی را به‌منظور استیفای حقوق ملت ایران انجام دهد. ازسوی دیگر در این برهه، تحول مهمی در برخی کشورهای نفت خیز مانند ونزوئلا، عربستان و کویت رخ داده بود که درنتیجه آن، قانون پنجاه-پنجاه در حوزه بهره‌برداری از نفت این کشورها اجرا می‌شد. این تحولات، دولت ایران را بر آن داشت تا درصدد فراهم‌سازی زمینه بهره‌برداری بیشتر از منافع نفتی ایران برآید. این تصمیم درنهایت منجر به ملی شدن صنعت نفت‌در اسفند ۱۳۲۹خورشیدی‌شد، با این‌همه بعد از ملی شدن نفت، انگلیسی‌ها هنوز در خاک ایران مستقر بودند، بنابراین اولین اقدام، اخراج آن‌ها بود؛ اتفاقی که در تاریخ با نام «روز خلع‌ید» انگلستان از نفت ایران، ثبت شده است. اما این اتفاق چگونه رخ داد؟



اعتراض مردم خوزستان به استعمار نفت توسط انگلیسی‌ها

اسناد تاریخی می‌گویند پس از ملی شدن نفت ایران، مجلس شورای ملی در نهم اردیبهشت ۱۳۳۰، قانون خلع‌ید شرکت نفت انگلیس را تصویب کرد. این لایحه را دولت مصدق به مجلس ارائه داده بود و طی آن، از انگلستان در امور نفت ایران، سلب اختیار می‌شد.

پس از این، در هفتم تیرماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق، نخست‌وزیر وقت، مهندس مهدی بازرگان را به‌سمت «مدیر شرکت ملی نفت ایران»، منصوب کرد. این شرکت، جایگزین «شرکت نفت انگلیس و ایران» شد و سرپرستی بخش نفت نیز برای نخستین‌بار در کنترل یک مدیر ایرانی درآمد. با آغاز به‌کار شرکت ملی نفت ایران، هیئتی مدیریت آن را برعهده گرفت و «اریک دریک»، مدیر شرکت سابق، ایران را ترک کرد.

این هیئت پس از ورود به شهرهای استان خوزستان، با استقبال وسیع مردم روبه‌رو شد. اعضای هیئت‌مدیره ایرانی هم در ادامه، ۲۰خرداد۱۳۳۰ در ساختمان مرکزی نفت‌در خرمشهر مستقر شدند و کارها را به دست گرفتند. در ۲۹خرداد۱۳۳۰ خلع‌ید از شرکت سابق نفت، رسماً انجام شد. بدین‌ترتیب ۲۹خرداد ۱۳۳۰، روز خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس نام گرفت. در این روز، مردم ایران پس از مبارزه و فداکاری بسیار به یک پیروزی درخشان دست یافتندو استعمار خارجی واستبداد داخلی راودار به عقب‌نشینی‌کردند. در پی خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس، کارکنان خارجی این شرکت که بیش از ۴هزار و ۵۰۰نفر بودند، دسته‌جمعی از ایران خارج شدند. روایت‌ها نوشته‌اند ساعاتی پس از اعلام خلع‌ید، پرچم ایران به اهتزاز درآمد و تابلوی شرکت ملی نفت ایران بر ساختمان اداری خرمشهر و آبادان نصب شد.



***خلع‌ید در اصطلاح حقوقی به معنی خاتمه دادن به تسلط کسی است که با زور و اجبار، ملک دیگری را تصرف کرده است.**

شهریار

شماره ۱۴۰۲ خرداد ۱۴۴۴
شماره ۳۱۶۷

۱۵



تاریخ و هویت



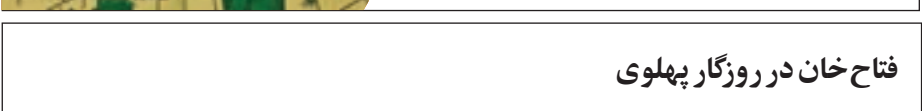
عکس:سیدعلی شهروزار

فتاح خان در عهد قجر

وضعیت کوچه فتاح‌خان در دوران قاجار با اکنون آن بسیار متفاوت است. براساس نقشه دالمج(ترسیم‌شده به سال ۱۲۴۸ خورشیدی) کوچه فتاح‌خان کنونی در این روزگار اگرچه وجود خارجی داشته، دراصل بخش نخستین کوچه‌ای بزرگ‌تر بوده است که اکنون ما آن را با نام کوچه حوض‌مونس (شهیددیالمه ۵) می‌شناسیم. جدایی بین این دو کوچه نیز در سال‌های نخست سده چهاردهم هجری یعنی هنگام ساخت خیابان کج یا خسروی (شهیددیالمه کنونی) رخ داده است، به همین دلیل نخستین نامی که برای این کوچه انتخاب شده و هنوز هم بدان معروف است، فتاح‌خان است، یعنی همان نامی که در سال‌های پایانی دوران حکومت قاجارها برایش انتخاب شد.

نقشه دالمج، موضوع جالب‌توجه دیگری را هم درباره گذشته کوچه فتاح‌خان برای ما روشن می‌کند. براساس آنچه در این نقشه ثبت شده، بخش مهمی از ابتدای کوچه در دوران ناصرالدین‌شاهی از میانه قبرستان سراب عبور می‌کرده است. به این صورت، نخستین فرعی شرقی کوچه در آن دوران (یگانه فرعی شرقی اکنون نیز هست) مرز جنوبی این قبرستان بوده است.

همچنین براساس آنچه در این نقشه درج شده‌است، کوچه‌فتاح‌خان تا هنگام اتصال به کوچه حوض‌مونس کنونی در هر طرف خود، دو فرعی داشته‌است که اکنون دیگر اثری از فرعی دوم شرقی وجود ندارد، اما سه فرعی دیگر هنوز هم(البته با تغییراتی مشاهده‌شدنی است. سرانجام اینکه در نقشه دالمج، تنها فرعی نخست غربی(اکنون به‌نام فتاح‌خان ۴ شناخته می‌شود) بن‌بست نیست و ازطریق کوچه ورزنده یا سراب‌یک کنونی، بار دیگر به دو کوچه حوض‌مونس و سراب، متصل می‌شده است.



فتاح خان در روزگار پهلوی

نقشه‌های مشهد در عصر پهلوی نشان می‌دهد که ساخت خیابان خسروی آن دوران(شهیددیالمه کنونی) در نخستین سال‌های دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی، دگرگونی چندانی در بافت این کوچه ایجاد نکرده و تنها تغییر رخ‌داده، جدایی کوچه فتاح‌خان از کوچه حوض‌مونس بوده است. البته هنگام ایجاد این خیابان که سبب استقلال کوچه فتاح‌خان شده‌است، چند منزل بزرگ میانه کوچه مانند خانه نخستین خطیب برجسته وقت، آیت‌ا... میرزاعلی‌اکبر نوقانی و منزل مرحوم تاینده(یکی از بزرگان اهل عرفان و تصوف وقت مشهد) که هر دو سر ناسازگاری با پهلوی اول داشتند، خراب شده‌است، تخریبی که در آن زمان به‌شدت توجه مردم را جلب می‌کند، تاجایی که شایعه می‌شود دلیل مهم ساخت این خیابان جدید، سخت کردن وضعیت زندگی برای این دو نفر بوده و جالب است بدانید مشهدی‌ها معتقدند اصلاً به همین دلیل هم، این خیابان برخلاف سایر خیابان‌های جدید مشهد، کج کشیده شده‌است. بافت کوچه فتاح‌خان البته به همین شکل و صورت باقی نمی‌ماند و همان اواخر دهه اول قرن، مهم‌ترین تغییرش را تجربه می‌کند، ماجرای این قرار است که در دوران پهلوی اول، برپایه فرمانی سراسری، قبرستان سراب مانند تمام قبرستان‌های درون‌شهری فعال آن دوران کشور، تعطیل می‌شود و اندکی بعد هم تغییرکاربری می‌دهد. به این ترتیب، نخستین پلاک قرارگرفته در شرقی فرعی(سراب ۹ فعلی) به سالن ورزشی تبدیل می‌شود و در بخش دیگر قبرستان هم(دومین پلاک شرقی کوچه)، مدرسه‌ای سقف و ستون می‌خورد که ابتدا دبستان خیام نام می‌گیرد اما با انتقال دبستان خیام به نقطه‌ای دیگر، این مدرسه با کاربری دبیرستان و با نام «ایراندخت»، ادامه حیات می‌دهد و تبدیل به معروف‌ترین دبیرستان دخترانه مشهد در دوران پهلوی‌ها می‌شود.

دیگر نکته شایان توجه درباره کوچه فتاح‌خان عهد پهلوی‌ها، وضعیت فرعی‌های آن است. براساس آنچه نقشه‌های ترسیم‌شده در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۳ مشخص می‌کند، در آن دوران برخلاف امروز هیچ‌کدام از دو فرعی غربی کوچه، بن‌بست نبود و هردو به کوچه سراب یک(ورزنده) راه داشتند و البته در این بین، فرعی شماره ۴ کنونی علاوه‌بر کوچه ورزنده به سراب ۵ هم مرتبط بوده‌است



بزرگان کوچه فتاح خان

این کوچه به‌جز فتاح‌خان، شخصیت نامی دیگری نیز داشته‌است؛ به روایت اسناد، سیدشهبسوار علی‌شاه، ملقب به منصورالتولیه، از نوادگان شاه‌نعمت‌ا... ولی و از علمای قرن ۱۳ خورشیدی در مشهد است که اکنون فرعی شماره ۲ کوچه به نام خانوادگی فرزند وی، «منصوری» خوانده می‌شود. سیدشهبسوار در نزد مردم مشهد به‌دلیل سال‌ها سکونت در هند، به سید هندی مشهور بوده‌است و کرامات مختلفی از وی نقل می‌کنند که مشهورترین آن‌ها، این است که او زمان درگذشت خودش را می‌دانسته‌است. شهبسوار که اهل شعر و عرفان نیز بود، روزهای جمعه درخانه‌اش، محفل ذکر مصیبت سیدالشهدا^(ع) و بیان مباحث اخلاقی برگزار می‌کرد و این مجلس تا سال‌ها پس از فوت او هم ادامه داشت. شهبسوارعلی‌شاه برپایه وصیتش، در منزل خود یعنی داخل کوچه منصوری به خاک سپرده شد و خانه و مقبره وی تا یکی‌دو سال پیش پابرجا بود، اما به‌تازگی تخریب شده‌است و کارگران درحال ساخت یک مجموعه آپارتمانی به‌جای آن هستند و به‌دلیل بسته بودن محوطه، از وضعیت مقبره این سید جلیل‌القدر اطلاعی در دست نیست.



رضا سلیمان‌نوری گذر از کوچه سراب ۹ و هم کلامی با قدیمی‌های آن، یک نام را آشنای گوش شما می‌کند، فتاح‌خان که نام قدیم این گذر است. یکی از ده‌ها کوچه‌ای که در جریان ساخت خیابان خسروی قدیم(شهید دیالمه کنونی) چندتکه شده و هر بخش آن، قصه‌ای تازه پیدا کرده‌است، قصه‌هایی که بیشترشان را می‌توان در شناسنامه کوچه و تاریخ آن نوشت، مثل فتاح‌خان که گذشته و حال آن، سیاهه سطرهای این گزارش کوچه گردی است.

وجه‌تسمیه کوچه فتاح خان

به روایت قدیمی‌های هیئت ابوالفضلی سراب، فتاح‌خان افشار، افسر لشکر احمدشاه قاجار است که در جریان دفاع از نوامیس ایرانی مقابل روس‌ها در تهران، ابتدا به اعدام محکوم ولی پس از اعتراض مردم پایتخت، با تغییر حکم به مشهد تبعید می‌شود. وی که برای نجات از حکم اعدام به حضرت ابوالفضل^(ع) متوسل شده بود، پس از استقرار در این بخش از کوچه حوض‌مونس آن زمان، مسجد محله را که قدمت صدوچهل ساله داشته، بازسازی می‌کند و با تأسیس «هیئت‌متحدہ ابوالفضلی سراب» در سال ۱۲۹۷ خورشیدی، آن را به مسجد حسینیه تبدیل می‌کند.

همین امر هم سبب می‌شود پس از ساخت خیابان خسروی، کوچه حدفاصل این خیابان و راسته کوچه سراب، به نام وی یعنی «فتاح‌خان» معروف شود، البته بنای کنونی حسینیه، سال ۱۳۵۷ پس از افزودن ۴۶۰ مترمربع زمین دیگر به بنای صدوچهل‌مترمربعی ساخته‌شده توسط فتاح‌خان، پامی‌گیرد.



فتاح خان امروز

کوچه فتاح‌خان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، از لحاظ ساختاری به‌جز یک نمونه‌تغییر چندانی پیدا نکرده‌است و آن یک تغییر هم، بن‌بست شدن فرعی دوم کوچه(نخستین فرعی کوچه از سمت خیابان شهیددیالمه) است؛ زیرا پلاک انتهایی کوچه به پارکینگ اختصاصی یکی از مجموعه‌های دولتی موجود در محدوده خیابان خسروی تبدیل شده‌است. نکته جالب دیگر اینکه به‌جز هنرستان زکریای‌رازی که حدود ۱۰ سال پیش به‌جای سازه قدیمی دبیرستان ایراندخت ساخته شد و همچنین ساختمان دفتر تبلیغات اسلامی که تازه‌ساز است، دیگر پلاک‌های موجود در دوسوی کوچه اصلی، همچنان همان بناهای سال‌های پایانی دوران پهلوی است. متأسفانه این موضوع درباره بناهای ایجادشده در داخل سه فرعی کوچه صدق نمی‌کند؛ تمام بناهای موجود در فرعی‌های کوچه، در ۱۰ سال اخیر ساخته شده‌است و اثری از بناهای قدیمی و اصیل در این محدوده‌ها نیست.

بناهای موجود در کوچه فتاح خان

اکنون اگر بخواهیم بناهای داخل کوچه‌فتاح‌خان را به‌ترتیب از ابتدای انشعاب این کوچه‌از سمت راسته کوچه سراب‌معرفی کنیم، در جانب شرقی پس از باشگاه ورزشی آه‌نچی، مجموعه هنرستان دخترانه زکریای‌رازی قرار دارد که خود شامل آزمایشگاه زکریای‌رازی، هنرستان بزرگ سالان حضرت مریم^(س) و هنرستان زکریای‌رازی است. پس از این پلاک کوچه فرعی فتاح‌خان یک قرار دارد که خود به کوچه سراب ۱۱ یا سمن و همچنین شهید دیالمه ۴ مرتبط است. مسجد و حسینیه فتاح‌خان به‌عنوان یگانه بنای مذهبی کوچه که میزبان هیئت مذهبی ابوالفضلی سراب است، پلاک بعدی این مسیر را به خود اختصاص داده‌است و پس از آن تا ابتدای کوچه، تعدادی مغازه به‌چشم می‌خورد که روزگاری بیشتر آن‌ها دراختیار صنف لوازم الکتریک بود، به‌طوری‌که مشهدی‌های قدیم از ابتدای کوچه فتاح‌خان به‌عنوان بورس لوازم الکتریکی یاد می‌کنند. اما بناهای غربی کوچه داستان دیگری دارد، نخستین بنای این سمت کوچه‌فتاح‌خان را منزلی مسکونی به خود اختصاص داده که در طبقه زیرین آن، یکی از فروشگاه‌های متعدد کاغذدیواری راسته سراب، مستقر شده‌است. پس از آن دو پلاک مسکونی دیگر دیده می‌شود که البته از لحاظ وسعت باهم مقایسه‌شدنی نیستند و سپس نوبت به یکی از معدود بناهای نوساز کوچه می‌رسد که مرکز آموزش سازمان تبلیغات اسلامی خراسان‌رضوی است. پس از این بنا که بر بالای ورودی ماشین روی آن، عبارت قرارگاه عملیاتی تبلیغی عمار خراسان‌رضوی، حک شده‌است، چهار پلاک مسکونی دیگر تا ابتدای کوچه فرعی فتاح‌خان ۴ قرار دارد که قدمت بنا، ویژگی مشترک آن‌ها محسوب می‌شود. حدفاصل فرعی‌های ۴ و ۲ فتاح‌خان هم دو پلاک بزرگ به‌چشم می‌خورد که یکی بازار خیام و پلاک‌های تجاری متصل به آن است و دیگری، بنایی چندطبقه که علاوه‌بر پلاک‌های تجاری همکف، آموزشگاه حسابداری خجسته را در طبقه سوم خود میزبانی می‌کند. حدفاصل فرعی شماره ۲ فتاح‌خان که نام «کوچه منصوری» هم بر روی دیوار آن حک شده‌است تا خیابان شهیددیالمه، تنها یک پلاک به‌چشم می‌خورد که طبقه پایین آن به لباس‌فروشی اختصاص دارد و طبقه بالایش، هنوز یکی از پرشمار بناهای زیبا و تاریخی رهاشده خیابان خسروی معروف به خانه ثبت ملی دآوری است.

